فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵، صص ۵۹-۳۳

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۴۰۲

کارآمدی حزب‌الله لبنان در دستیابی به مقبولیت اجتماعی و مشروعیت سیاسی

جلال درخشه [۱]
استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)
علیرضا بیگی [۲]
دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۰۳

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

شرایط پیچیده جامعه لبنان و موضع‌گیری سیاستمداران این کشور در قبال حزب‌الله لبنان باعث گردیده تا این سوال در ذهن‌ها به وجود آید که با وجود چنین شرایط سختی در جامعه لبنان و سختی‌های موجود در مسیر این جنبش، حزب‌الله لبنان چگونه توانسته است تا به این موقعیت سیاسی و اجتماعی دست یابد. حزب‌الله لبنان در ابتدا با محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای در داخل و خارج از مرزهای این کشور مواجه بود، به‌گونه‌ای که حتی دیگر احزاب و دولت آن را به رسمیت نمی‌شناختند اما این جنبش توانست با بهره‌برداری مناسب از کمترین امکانات موجود و کاربست مناسب تاکتیک‌های سیاسی و اجتماعی به یک جنبش بسیار تأثیرگذار و مؤثر در داخل و خارج از لبنان تبدیل شود.حزب‌الله لبنان در اقدامات خود در عرصه نظامی و اجتماعی کارآمد بوده و توانسته‌است تا از طریق رسیدن به مقبولیت اجتماعی به مشروعیت سیاسی نیز دست یابد. مهمترین دغدغه پژوهش حاضر این است که بتواند با بهره‌گیری از روش توصیفی – تحلیلی به کالبدشکافی واژه «مشروعیت» پرداخته و پس از بیان حوزه‌های عمل این مفهوم، نشان دهد که حزب‌الله لبنان چگونه توانست با امکانات محدودی که در اختیار داشت به مقبولیت اجتماعی و پس از آن به مشروعیت سیاسی دست یابد.

واژه‌های کلیدی: مشروعیت، مقبولیت، مشروعیت سیاسی، مقبولیت اجتماعی، حزب‌الله لبنان

1. j.dorakhshah@yahoo.com
2. 3lloush2025@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

مقدمه

جامعه چند طایفه‌ای لبنان عرصه عمل سیاسی را برای بازیگران داخلی و بین‌المللی بسیار دشوار ساخته است. این دشواری به حدی است که کارشناسان معتقدند هر بازیگری که بتواند قدم خود را در لبنان ثابت ساخته و خواسته‌های خود را محقق سازد بی‌شک در منطقه غرب آسیا نیز تأثیر و نفوذ قابل‌توجهی خواهد داشت. حزب‌الله لبنان یکی از این بازیگران است که پس از گذر موفقیت‌آمیز از ایستگاه‌های دشوار نظامی توانست تا در این کشور به جایگاه بسیار مناسب سیاسی و اجتماعی دست یابد. حزب‌الله لبنان در جامعه هیجده طایفه‌ای لبنان، از درون شیعیان جنوب این کشور که سخت‌ترین و شدیدترین محدودیت‌ها نسبت به آنان اعمال می‌شد ظاهر شد. این جنبش با به‌کارگیری تدابیر خردمندانه نظامی، سیاسی و درنهایت اجتماعی اندک‌اندک رشد کرده و به درختی تنومند تبدیل شد. حزب‌الله به چنان قدرتی دست‌یافت که بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای حل بحران‌های منطقه غرب آسیا به گفتگو با این جنبش نشسته و از آن برای پایان دادن به آتش فتنه غرب آسیا راه‌حل بخواهند، در حقیقت می‌توان چنین بیان کرد که بازیگران بین‌المللی که در منطقه غرب آسیا دارای منافعی هستند، همواره باید حزب‌الله لبنان را به‌عنوان یک بازیگر فعال منطقه‌ای مدنظر داشته باشند و در صورت نیاز برای نیل به منافع خود با آن به مذاکره یا مشورت بپردازند. این نوع رفتار فعالان منطقه غرب آسیا با حزب‌الله لبنان نشان‌دهنده به رسمیت شناخته شدن این جنبش توسط آنان است. حال باید بررسی کرد که این جنبش چگونه توانست به این امتیاز ارزشمند، یعنی به رسمیت شناخته شدن توسط بازیگران و فعالان منطقه‌ای و بین‌المللی دست یابد.

بیان مسئله

پژوهش حاضر با تبیین علل موفقیت نظامی حزب‌الله لبنان در پیکار با رژیم صهیونیستی، درصدد پاسخگویی به این سؤال اساسی است که این جنبش چگونه توانست در شرایط محیط داخلی و خارجی لبنان که مخالفت‌های بسیاری در قبال آن صورت می‌پذیرفت، به بازیگری قدرتمند تبدیل شود؟ حزب‌الله چگونه توانست علاوه در حل بسیاری از بحران‌های داخلی لبنان، در حل بحران‌های منطقه غرب آسیا نیز منشأ اثر قرار گیرد؟

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

در این پژوهش تلاش شده است تا برای تبیین بهتر کارآمدی این بازیگر در دستیابی به دو مقوله مشروعیت سیاسی و مقبولیت اجتماعی، ابتدا به توضیح مفاهیم «مشروعیت»، «مشروعیت سیاسی» و «مقبولیت اجتماعی» پرداخته، سپس خاستگاه جنبش و چگونگی سیاست‌های اقدامی آن در عرصه سیاسی، اجتماعی و نظامی مورد مداقه قرار گیرد.

چارچوب مفهومی

۱- مشروعیت

مفهوم «مشروعیت» که در زبان انگلیسی از آن به «Legitimacy» یاد می‌شود دارای چندین معنی است. گستردگی معانی واژه Legitimacy به علت تعدد معانی موجب شده است تا در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اخلاقی، حقوقی و اجتماعی کاربست داشته باشد، همانند: «درستی»، «برحق بودن»، «حقانیت»، «قانونی بودن»، «حلال‌زادگی» و «مشروعیت»(نوروزی خیابانی، ۱۳۷۲: ۲۴۷). تنوع این معانی نیز به‌نوبه خود موجب شده تا نزدیک‌ترین مفاهیم به این واژه «مشروعیت» و «مقبولیت» باشد. برای جلوگیری از اختلاف معانی این واژه ابتدا انواع معانی این واژه را موردبررسی قرار داده سپس معنای موردنظر خود از این واژه را در مورد حزب‌الله لبنان را تجزیه‌وتحلیل می‌کنیم.

گستردگی حوزه‌های کاربرد مفهوم مشروعیت باعث گردیده تا پژوهشگران علوم مختلف متناسب با پژوهش‌های خود اقدام به بازتعریف این مفهوم کنند و آن را به درون حوزه‌های علمی مختلفی وارد سازند. این اقدام به‌اندازه‌ای صورت پذیرفته است که امروزه اصلی‌ترین جولانگاه مفهوم مشروعیت را حوزه‌های اخلاق، سیاست، حقوق و اجتماع می‌دانند(Thomas, ۲۰۱۳: ۷). ورود مفهوم مشروعیت به حوزه‌های یادشده متخصصان این علوم را بر آن داشت تا این مفهوم را به چهار دسته ذیل تقسیم کنند که به‌طور مختصر به توضیح آنان خواهیم پرداخت:

۱-۱. مشروعیت قانونی[1]

بسیاری از حقوقدانان به‌ویژه وکلا بر این باورند که واژه «Legitimacy» به معنای «مشروعیت قانونی» است. این افراد با توسل به این برهان که ریشه کلماتی چون «Legitima-

1. Legal Legitimacy

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

legitimus» ،«cy» و «Legitmate»، واژه «Lex» به معنای «قانون» است، «مشروعیت قانونی» را بهترین ترجمه برای واژه «Legitimacy» می‌دانند(Thomas, ۲۰۱۳: ۷). طرفداران این عقیده بر این باورند که مقوله مشروعیت تنها به قانونی یا غیرقانونی بودن احکام و مقررات موجود در عرصه‌های گوناگون توجه داشته و سعی می‌کند تا با بررسی این امور از منظر قانونی درصدد هویت بخشی به این احکام و مقررات برآید.

۲-۱. مشروعیت اخلاقی[1]

اگر مقوله‌ای ازنظر اخلاقی مشروعیت نداشته باشد هیچ الزام اخلاقی برای اطاعت از آن وجود نخواهد داشت. اگر دولت و یا حکومتی در عرصه سیاسی بتواند مشروعیت اخلاقی به دست آورد، بر مردم آن جامعه واجب می‌شود تا به اطاعت از اوامر و احکام آن دولت یا حکومت بپردازد. مشروعیت اخلاقی دولت و یا حکومت در عرصه سیاست به دنبال دارنده تعهد اخلاقی است که در جوامع اسلامی از آن با عنوان «تعهد شرعی» و یا «تعهد دینی» یاد می‌شود(Thomas, ۲۰۱۳: ۱۱)..

۳-۱. مشروعیت سیاسی[2]

مقصود از مشروعیت سیاسی این است که کسی حق حاکمیت و در دست گرفتن حکومت را داشته باشد. در این حالت مردم نیز وظیفه‌دارند از او اطاعت کنند(نوروزی، ۱۳۷۹: ۱۳۹). این روند در عرصه کلان سیاسی توسط یک رژیم طی می‌شود. آقای لیپست[3] مشروعیت را توانایی رژیم سیاسی برای به دست آوردن و نگه‌داشتن این عقیده که «ادامه حیات نهادهای سیاسی برای جامعه مناسب است»، می‌داند(McLean, ۲۰۰۹: ۳۰۳). عده‌ای دیگر معتقدند که مشروعیت سیاسی فرایندی تقابلی برای نشان دادن چگونگی پاسخگویی دولتمردان به تقاضاهای مردم است(Kurian, ۲۰۱۱: ۹٤٦).

باید توجه داشت که هرگاه سخن از مشروعیت در کارزار سیاست به میان می‌آید، نباید آن را با معنای واژه‌های هم‌خانواده‌اش نظیر «مشروع»، «شارع» و «متشرعین» که برگرفته از مفاهیم و واژه‌هایی چون «شرع» و «دین» است، همسان پنداشت(نوروزی، ۱۳۷۹: ۱۳۹) زیرا مشروعیت در عرصه سیاست به معنای این است که آیا یک سیستم سیاسی که توسط دولت

1. Moral Legitimacy
2. Political Legitimacy
3. Lipset

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

یا حکومت اداره می‌شود شایسته اطاعت شدن توسط توده مردم را دارد یا خیر. در اینجا مشروعیت به قانون ربط یافته و مفهومی قانونی پیداکرده است تا بتواند برای توجیه اقدامات خود برهانی قاطع و الزام‌آور به‌عنوان «قانون» ارائه دهد(anda, ۱۹۸۹: ۲۰۸).

با توجه به توضیحات بالا چنین برداشت می‌شود که مشروعیت سیاسی عبارت است از توانمندی فرد یا یک گروه سیاسی برای قانونی ساختن فعالیت‌های خود در راستای احقاق حاکمیت بر توده مردم در جامعه. این فرد و گروه سیاسی که خواهان سلطه سیاسی بر دیگران هستند «حاکم سیاسی» نامیده می‌شوند. «ماکس وبر»[1] جامعه شناس و سیاستمدار آلمانی معتقد است که حاکم سیاسی می‌تواند مشروعیت سیاسی خود بر جامعه را به یکی از سه روش ذیل به دست آورد: مشروعیت سنتی، مشروعیت کاریزماتیک و مشروعیت قانونی. مشروعیت سنتی بر طبق نظر وبر توسط وراثت، شیخوخیت یا دیگر قوانین نانوشته پدید می‌آید که از مشورعیت‌های ناموفق به شمار می‌آید. مشروعیت کاریزماتیک از نظر وی نیز بدین معناست که هر رهبری با خصوصیات اخلاقی خاص و رفتاری ویژه خود بر سر حکومت می‌آید و مردم را مطیع خود می‌کند. این رهبر باید آنقدر تاثیرگذار و با جذبه باشد که مردم را مطیع خود کند. در مشروعیت قانونی نیز قانون بهترین روش برای مشروعیت بخشیدن به یک حکومت است(غیاثیان و نامور و روشن و سلطانی، ۱۳۹۲: ۱۰۱). وبر به خاکم سیاسی توصیه می‌کند که برای دستیابی به مشروعیت عقلانی بهتر است که از طریق دموکراسی و با توجه به نظر اکثریت مردم اقدام کند که یکی از بهترین روش‌های آن «برگزاری انتخابات» است(Badie & Berg-schlosser & Morlino, ۲۰۱۱: ۱٤۲۰).

پیشینه پژوهش

اغلب پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با حزب‌الله را می‌توان در چند بخش ذیل تقسیم بندی کرد:

- پیروزی نظامی حزب‌الله لبنان در مقابل ارتش قدرتمند رژیم صهیونیستی

برخی از کتب و مقالاتی که به این موضوع پرداخته‌اند عبارت‌اند از: «حزب‌الله» نوشته سید سمیه طباطبایی، «جنگ ۳۳روزه، اقتدارحزب‌الله، زبونی صهیونیسم» نوشته طاهره بنی

1. Max Weber

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

اسدی، «حزب‌الله لبنان» نوشته صادق غفوری سبزواری، «سی سال مقاومت: کارنامه حزب‌الله در عرصه تهدیدات داخلی و منطقه‌ای لبنان» نوشته مجید صفاتاج، «تأثیر عوامل معنوی در پیروزی حزب‌الله» نوشته حبیب زمانی محجوب، «حمله به حزب‌الله لبنان، حمله آمریکایی به اسلامگرایی اصیل» نوشته ظفر بنگاش.

• بهبود وضعیت اجتماعی و سیاسی حزب‌الله از زمان تأسیس تا به اکنون

پاره‌ای از کتب و مقالاتی که به این موضوع پرداخته‌اند عبارت‌اند از: «حزب‌الله لبنان، خط مشی، گذشته و آینده آن» نوشته نعیم قاسم، «حزب‌الله، سیاست و مذهب» نوشته غریب امل سعد، «جنبش حزب‌الله لبنان، گذشته و حال» نوشته مسعود اسداللهی، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش حزب‌الله» نوشته سکینه گرمابدشتی.

• توانایی سید حسن نصرالله، به عنوان دبیرکل حزب‌الله در رهبری و پیشبرد این جنبش

برخی از پژوهش‌هایی که در قالب کتاب یا مقاله در این زمینه انجام شده است عبارت‌اند از: «سید عزیز» نوشته عیرضا موحدی، «رهبری انقلابی سید حسن نصرالله» نوشته آزیتا بیدقی قره بلاغ، «مسیح لبنان: زندگینامه سیدحسن نصرالله» نوشته هادی الیاسی، «سیدحسن نصرالله، انقلابی جنوب» نوشته رفعت احمد سید، «ویژگی‌های مدیریتی سید حسن نصرالله: اخلاص سید رمز موفقیت اوست»، نوشته سید مجتبی حسینی، «از حیدر و ابوذر تا سید حسن نصرالله» به قلم مقداد علوی.

اما در این پژوهش تلاش می‌کنیم تا با بررسی داده‌های مختلف، موفقیت حزب‌الله در عرصه‌های نظامی، اجتماعی و سیاسی را تبیین کرده و بیان کنیم که این جنبش چگونه توانست با امکانات محدود در این سه

عرصه مهم فعالیت کرده و علیرغم میل مخالفان داخلی و خارجی به مقبولیت اجتماعی و مشروعیت سیاسی دست یابد. برای نیل به این مهم، پس از بیان مقدماتی که گذشت، پژوهش را با تبیین دقیق مفهوم مشروعیت سیاسی به پیش می‌بریم.

مشروعیت سیاسی موردنظر در این پژوهش آن تعریفی است که آقای لیپست[1] بیان داشته است که پیش‌تر بدان اشاره شد و آن عبارت است از طی نمودن روندی توسط یک رژیم برای ذی‌حق ساختن خود از برخی امتیازات. مشروعیت سیاسی حزب‌الله لبنان نیز در این پژوهش

1. Lipset

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

عبارت است از پیمودن روندی در راستای ذی‌حق ساختن جامعه شیعیان لبنان به‌ویژه ساکنین جنوب این کشور. لیپست عنوان می‌دارد در این روند سه ایستگاه وجود دارد که عبارت‌اند از:

الف) اعتبار

ب) قدرت

ج) صلاحیت

درصورتی‌که رژیم سیاسی بتواند سه ایستگاه یادشده را با موفقیت پشت سر بگذارد می‌تواند در آن جامعه سیاسی در امور بخصوص خود را ذی‌حق سازد(McLEAN, ۲۰۰۹: ۳۰۳). حزب‌الله لبنان نیز توانست با بکار بردن تدابیر مناسب، در ایستگاه نخست به مقابله با رژیم صهیونیستی بپردازد و پس از ناکام کردن آن رژیم در تحقق اهداف خود اعتبار یابد سپس در ایستگاه دوم به کمک هم‌پیمانان منطقه‌ای خود قدرت یافته و توانست با بسیاری از احزاب و گروه‌های مختلف در لبنان به گفتگو بپردازد و در ایستگاه سوم با مقبولیتی که از جامعه به دست آورد توانست صلاحیت خود را در عرصه سیاسی و اجتماعی جامعه لبنان به منصه ظهور بگذارد.

٤-١. مشروعیت اجتماعی[1]

مشروعیت اجتماعی در عرصه سیاسی یک تعهد هنجاری است که شهروندان یک جامعه را نسبت به پذیرفتن برنامه‌ها و اقدامات دولت یا حکومت قانع می‌کند. مشروعیت اجتماعی به‌هیچ‌وجه نقش مشروعیت اخلاقی و قانونی را بر عهده ندارد اما می‌توان گفت که در حوزه‌ای یکسان در موازات با مشروعیت اخلاقی و قانونی قرار می‌گیرد(Thomas, ٢٠١٣:١٤). مفهوم مشروعیت اجتماعی را می‌توان به مقبولیت اجتماعی نیز تعبیر کرد چراکه واژه «Legitimacy» هم به معنای مشروعیت است و هم به معنای مقبولیت و با «Social Acceptance» به معنای «پذیرش اجتماعی» تفاوت دارد زیرا حوزه اقدام این مفهوم در عرصه روانشناسی است اما ما به‌عنوان محققان علوم سیاسی در این پژوهش خواهان بررسی مقبولیت اجتماعی در جامعه سیاسی لبنان هستیم.

در اختصاص با مفهوم مقبولیت اجتماعی نیز نظرات مختلفی وجود دارد به همین دلیل ترجمه‌های مختلفی در زبان انگلیسی از این واژه شده است، همانند «Civil Popularity» و

1. Social Legitimacy

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

«Civil Acceptance» اما آنچه در اینجا مدنظر نگارنده است عبارت «Social Acceptability» است. برخی بر این باورند که مقبولیت اجتماعی در عرصه سیاست اختصاص به بازیگران سیاسی‌ای دارد که از سوی مردم انتخاب می‌شوند و به کارزار سیاسی راه می‌یابند. علامه محمدحسین نائینی در این رابطه می‌فرمایند که این افراد باید چندین شرط داشته باشند از جمله: «علمیت کامل در باب سیاسات»، «مجتهد بودن در فم سیاست»، «اطلاع بر دقایق و خفایای حیل معموله بین الدول» و «خبرت کامله بخصوص وظائف لازمه»(نائینی، ۱۳۲۷: ٦٠). در اینجا نیز منظور از مقبولیت «پذیرش مردمی» است. اگر بخواهیم وجود مقبولیت یک نظام را بررسی نماییم باید به شاخصه‌هایی نظیر میزان مشارکت، رضایت، خواست و مشارکت داوطلبانه مردم در مراحل شکل‌گیری و استقرار نظام و مراحل بعدازآن را نیز در نظر داشته باشیم(مصباح‌یزدی، ۱۳۸۵: ۵۳). کاربرد مقبولیت در یک نظام تنها به‌عنوان ضمانت اجرا است. اگر در حکومتی ضمانت اجرایی وجود نداشته باشد، امکان تشکیل حکومت نیز وجود نخواهد داشت. یکی از راه‌های کسب مقبولیت گفتار و رفتار با دیگران است که حزب‌الله لبنان بارها از این شیوه به‌صورت بسیار کارآمد بهره برده و توانسته است که به مقبولیت اجتماعی و مشروعیت سیاسی دست یابد. قبل از اینکه به تبیین چگونگی دستیابی حزب‌الله لبنان به مشروعیت سیاسی و مقبولیت اجتماعی بپردازیم شایسته است که به این نکته توجه داشته باشیم که مشروعیت سیاسی حزب‌الله لبنان اولاً دارای خواستگاهی اجتماعی است و از مقبولیت اجتماعی جامعه چند طایفه‌ای لبنان نشأت‌گرفته است. ثانیاً این امتیاز برای احقاق حقوق تضییع‌شده شیعیان لبنان به‌ویژه شیعیان جنوب لبنان بود نه برای اعمال حاکمیت و امرونهی بر مردم جامعه. برای روشن‌تر شدن موضوع آن تلاش شده است تا کارآمدی حزب‌الله لبنان از زمان تأسیس تا دوران معاصر در دستیابی به این دو مهم بررسی شود.

۲.نقش کارآمدی در مقبولیت اجتماعی و مشروعیت سیاسی حزب‌الله

۲-۱.موقعیت سیاسی و اجتماعی حزب‌الله در زمان تأسیس

حزب‌الله لبنان به‌عنوان یکی از اصیل‌ترین حرکت‌های اجتماعی – فکری دوره معاصر، از آغاز دهه ۱۹۸۰ با تکیه‌بر موازین اسلامی الهام گرفته از انقلاب اسلامی و برگرفته از تعالیم و رهنمودهای بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و اندیشه سیاسی امام موسی صدر پا به

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

عرصه معادلات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی لبنان نهاد (سرخیل، ۱۳۸۷: ۷۵). امام موسی صدر بیشترین نقش را در رشد و برجستگی حزب‌الله در داخل لبنان و در منطقه داشت. وی با رسمی کردن نقش شیعیان در سیاست‌های لبنان توانست حزب‌الله را در سیاست لبنان غوطه‌ور سازد که این خود کلید موفقیت حزب‌الله در دستیابی به مشروعیت سیاسی است(Tegho, ۲۰۱۱: ۵). این جنبش که در ابتدا تشکیل‌دهنده ساختار بنیادین جنبش امل بود، در اعتراض به شرکت جنبش امل به رهبری «نبیه بری» در کمیته «نجات ملی لبنان» در ژوئن ۱۹۸۳(فضل‌الله، ۱۹۹٤: ۳۱) از آن خارج‌شده و ساختار تازه‌ای تشکیل داد و آن را «جنبش امل اسلامی» نامید(سرخیل، ۱۳۸۷: ۷۹).

در دهه هشتاد میلادی، در شرایطی که لبنان در آتش جنگ داخلی می‌سوخت، ارتش اسرائیل در ژوئن ۱۹۸۲ تهاجم گسترده‌ای را به لبنان آغاز کرده و نیمی از خاک این کشور را به اشغال خود درآورد. در همین زمان با عقب‌نشینی و شکست گروه‌های فلسطینی و احزاب چپ لبنان در مقابله با این تهاجم و شکست نظریه‌های ملی‌گرایی عربی و ایدئولوژی‌های چپ نظیر کمونیسم، بعث، ناصریسم و غیره، زمینه برای ظهور حزب‌الله لبنان به‌عنوان تنها گزینه برای مقابله با این تجاوزات فراهم شد(حمزه، ۱۳۷۲: ۲۱). البته تا آن زمان امام موسی صدر هنوز نتوانسته بود شیعیان لبنان را از پیوستن به سازمان‌های مارکسیستی، فلسطینی و بعثی دور سازد(Ajami, ۱۹۸٦: ٤۷) اما پس از گذشت چندین سال از حمله رژیم صهیونیستی و مقابله جنبش امل اسلامی با رژیم صهیونیستی، سرانجام سید عباس موسوی در فوریه ۱۹۸۵ موجودیت جنبش «حزب‌الله لبنان» به‌جای جنبش امل اسلامی را اعلان داشت و بسیاری از شیعیان به این جنبش پیوستند. این جنبش در حقیقت فعالیت خود را از همان سال هجوم رژیم صهیونیستی به‌صورت غیررسمی آغاز کرد و در شرایط سرخوردگی سیاسی ناشی از اشغال نیمی از سرزمین لبنان در سال ۱۹۸۵ نام خود را از جنبش امل اسلامی به جنبش «حزب‌الله لبنان» تغییر داد(اسداللهی، ۱۳۷۹: ۱۵۳). این جنبش که نام خود را از آیات ٥٦ سوره مائده و ۲۲ سوره مجادله در قرآن کریم اتخاذ کرده بود(احمدحسین یعقوب، ۱٤۱۲: ۳۱۰). این جنبش تازه تأسیس به علت اینکه توانسته بود نقش بسیار مهمی در عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان در سال ۱۹۸۵ ایفا کند، از محبوبیت بسیار گسترده‌ای در بین شیعیان جنوب برخوردار گشت که این خود به‌مثابه اولین بارقه‌های مقبولیت اجتماعی بود. دیگر طوایف

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

و مردم نیز که از این پیروزی شکه شده و خواهان آشنایی بیشتر با این گروه تازه تأسیس بودند، با شک و تردید بسیاری از حزب‌الله استقبال کردند زیرا حزب‌الله از حمایت جمهوری اسلامی ایران برخوردار بود و امام خمینی (ره) نیز در نظر رهبران این جنبش، ولی‌فقیه و رهبر همه مسلمانان جهان به شمار می‌رفت(اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۷۲؛ شیخ الإسلامی و فاطمی صدر، ۱۳۹۲: ٦۹)، لذا سایر مردم غیر شیعه با تبلیغات سیاسی گسترده‌ای که مخالفان این جنبش در راستای تخریب چهره جنبش حزب‌الله لبنان انجام می‌دادند، ترس این را داشتند که این جنبش بخواهد بر کشور لبنان تسلط یافته و اقدام به تشکیل دولت شیعی کند. در حقیقت حزب‌الله لبنان در ابتدای تأسیس خود تنها با مشکل نظامی مقابله با رژیم صهیونیستی مواجه نبود بلکه چالش‌های سیاسی گسترده‌ای از سوی برخی جیره‌خواران و مزدوران لبنانی موجود در رأس حکومت که در قالب ارتش جنوب لبنان در حال خدمت‌رسانی به رژیم صهیونیستی بودند نیز مواجه بود. افرادی چون «بشیر جمیل» و فرزند وی «امین پیر جمیل»، به‌عنوان هم‌پیمانان رژیم صهیونیستی با «آریل شارون»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی پیمان بسته بودند تا ارتش جنوب لبنان برای پیروزی رژیم صهیونیستی بر گردان‌های فلسطینی موجود در لبنان و مقاومت اسلامی لبنان کمک کرده و پس‌ازآن دولت لبنان با رژیم صهیونیستی صلح کنند(ابوخلیل، ۱۹۹۰: ١٦٦). اسرائیل در بدو ورود خود به لبنان به بشیر جمیل کمک کرد تا به تقویت مسیحیان لبنان بپردازد در مقابل بشیر جمیل نیز به این رژیم کمک کرد تا از حمله به فلسطینیان طفره رفته و به‌سوی شیعیان هجوم آورد(Tegho, ۲۰۱۱: ۷). حزب‌الله لبنان در ابتدای شکل‌گیری خود علاوه بر مقابله با رژیم صهیونیستی با چالش‌های دیگر اقتصادی و اجتماعی نیز دست‌وپنجه نرم می‌کرد که عاقبت توانست آن‌ها را با موفقیت پشت سر بگذراند(سرخیل، ۱۳۸۷: ۸۹).

۲-۲.مقبولیت اجتماعی حزب‌الله

حزب‌الله لبنان در ابتدای شکل‌گیری خود را بیش از هر چیز یک جنبش جهادی می‌شناخت و می‌شناساند(سعدغریب، ۱۳۸٤: ۲۰۱). هویت نظامی برجسته شده حزب‌الله، حمایت سوریه و ایران از این جنبش، تلاش‌های مزدوران اسرائیلی موجود در احزاب سیاسی لبنان و بدبینی همراه با تردید دیگر طوایف نسبت به این جنبش موجب متضرر شدن این جنبش در عرصه سیاسی جامعه لبنان می‌گردید اما جنبش با انجام تغییراتی در ساختار رهبری، تغییر برخی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

استراتژی‌ها و بهره‌برداری مناسب از تحولات داخلی لبنان توانست نظر و اعتقاد بسیاری از طوایف را به خود جلب کند؛ در حقیقت دو عامل سیاسی در ایجاد تحول در حزب‌الله بسیار تأثیرگذار بود که در ذیل به‌صورت اختصار تشریح می‌شود:

پایان جنگ‌های داخلی

جنگ‌های داخلی لبنان که از سال ۱۹۷۵ شروع شد(سلیمان‌نوار، ۱۹۷٦: ۸) مانع از هرگونه گفتگو میان ادیان و دیگر مذاهب گردید اما پس از پایان یافتن این دوره از جنگ‌های داخلی در سال ۱۹۸۹(نور، ۲۰۰٦: ١٦)، حزب‌الله لبنان از موقعیت به وجود آمده استفاده کرده و به گفتگو با دیگر ادیان و مذاهب در مورد مسائل مختلف اقتصادی، مذهبی، سیاسی، امنیتی پرداخت. این گفتگوها زمینه‌ای برای ورود حزب‌الله به عرصه انتخابات مجلسی شد و باعث گردید تا حزب‌الله لبنان مشروعیت سیاسی خود را به دست آورد.

بهبود روزافزون چهره مقاومت اسلامی و مشروعیت سیاسی یافتن سلاح آنکه به گفته «سیدحسن نصرالله» برای حفاظت از جنوب کشور در مقابل رژیم صهیونیستی استفاده می‌شد، موجب نگرانی رژیم صهیونیستی و متحدان لبنانی آن شده بود به همین دلیل به فکر چاره‌ای شدند تا از قوت یافتن مقاومت در عرصه سیاسی و نظامی لبنان جلوگیری به عمل‌آورند. در راستای این هدف در سال ۱۹۸۹، ٦۲ قائم‌مقام لبنانی به‌سوی طائف عربستان سعودی رهسپار شدند تا توافقنامه طائف را به امضا برسانند. پیمان طائف که به جنگ ۱۵ ساله داخلی لبنان خاتمه داده بود، در سپتامبر ۱۹۹۰ به دومین قانون اساسی این کشور تبدیل شد(Tegho, ۲۰۱۳: ۱۳). تشکیل پیمان طائف یکی از گزینه‌هایی بود تا بدین‌صورت بتوانند بر رشد اجتماعی، سیاسی و نظامی مقاومت در جامعه لبنانی محدودیت ایجاد کنند اما مقاومت اسلامی با اتخاذ استراتژی‌های مناسب توانست بهره لازم از این پیمان را برای تثبیت حیات سیاسی خود ببرد اما همچنان از فرمول جدید سازش درونی جنبشی ناراضی بود(حمزه،۱۳۷۲: ۱۹) و این پیمان را نه خوب می‌دانست و نه بد، چراکه این پیمان از سویی موجب بقاء اصل طایفه‌گرایی سیاسی شده بود و از سویی دیگر ریاست جمهوری را در اختیار و انحصار مسحیان مارونی قرار داده بود(سعدغریب، ۱۳۸٤: ۵۰). جنبش حزب‌الله از پیمان طائف استفاده کرده و هویت خود را که تا آن زمان تنها نظامی شناخته‌شده بود را گسترده‌تر کرد و در عرصه فعالیت‌ها و مشارکت‌های مدنی – اجتماعی سیاسی نیز ورود یافت(سرخیل، ۱۳۸۷: ۱۰۵). اعتراضات

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

حزب‌الله لبنان نسبت به برخی جنبه‌های پیمان طائف موجب اصلاح قانون اساسی لبنان در سال ۱۹۹۰ گردید. البته قبل از این تاریخ نیز اصلاحاتی در قانون اساسی صورت پذیرفته بود، ازجمله در سال‌های ۱۹۵۱، ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰. در پی اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۹۹۰، ۱۲۸ عضو مجلس با رأی عموم مردم انتخاب می‌شدند. کرسی‌های مجلس قانون‌گذاری به‌طور یکسان میان مسیحیان و مسلمانان تقسیم گردید؛ بدین‌صورت که از ۱۲۸ کرسی موجود در مجلس، نیمی متعلق به مسیحیان و نیمی متعلق به مسلمانان است. این تقسیم‌بندی در کابینه دولت نیز صورت پذیرفت که به‌موجب آن از ۳۰ وزارتخانه موجود در هیئت دولت، ۱۵ وزارتخانه به اهل کتاب و ۱۵ وزارتخانه دیگر نیز به مسلمانان واگذار گردید(احمدی، ۱۳۸۵: ۹۰-۸۶).حال این جنبش که در ابتدای تأسیس خود با بحران مشروعیت سیاسی و مقبولیت مدنی ناشی از کارشکنی‌های مزدوران لبنانی هم‌پیمان رژیم صهیونیستی مواجه بود، توانسته بود علاوه بر کسب مشروعیت سیاسی و مقبولیت مدنی، در مجلس و هیئت دولت نیز ایفای نقش کند، به‌گونه‌ای که ۲۷ کرسی مجلس به همراه صندلی ریاست و ٦ وزارتخانه را به دست آورد. این جنبش برای اینکه بتواند خیرخواهی خود برای لبنان و مردم آن را به اثبات رساند، دو کرسی از کرسی‌های خود را به یکی از نمایندگان اهل سنت و یکی از نمایندگان اهل کتاب داد که این سیاست نیز تأثیر بسزایی در بهبود چهره حزب‌الله در جامعه لبنان به همراه داشت و موجب تقویت مقبولیت اجتماعی این بازیگر در جامعه لبنان گردید.

تغییر در ساختار رهبری

تغییری که در ساختار جنبش حزب‌الله لبنان رخ داد تأثیر بسیار مؤثری در تسهیل موقعیت‌یابی حزب‌الله در جامعه لبنان و طوایف و احزاب بانفوذ داشت چراکه تا قبل از این تغییرات، «شیخ صبحی طفیلی» دبیر کل حزب‌الله بود، فردی که به اعتقاد برخی نویسندگان همچون «احمد فهمی»، از پیروان «آیت‌الله حسین منتظری» و شاگردان «امام موسی صدر» بوده که همین عامل اخراج وی از حزب‌الله به شمار می‌رود(فهمی، ۲۰۰٦: ۸۳) اما برخی دیگر چون «امل سعدغریب» بر این باورند که علت اصلی خروج شیخ صبحی طفیلی از جنبش حزب‌الله، اخلاق تند، عدم درایت و توانمندی لازم در حل مشکلات و بحران‌ها(اسداللهی، ۱۳۸۷: ٦۱)، شیوه تدافعی و بدون هیچ‌گونه تسامح و گذشت وی بود که منجر به ایجاد تصویر نامناسب از مقاومت اسلامی در اذهان بسیاری گردید. وی معتقد است زمانی که شیخ صبحی طفیلی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

از جنبش خارج شد سید عباس موسوی به‌عنوان دبیر کل برگزیده شد و شیوه مصالحه و همزیستی اسلامی – مسیحی را در یک جامعه چندگانه سیاسی در پیش گرفت و پس از ترور وی در فوریه ۱۹۹۲ سید حسن نصرالله این شیوه را در سمت دبیر کل ادامه داده و همواره بر روی آن تأکید می‌ورزد(سعدغریب، ۱۳۸۹: ۱۳). اتخاذ این سیاست موجب گردید تا دست حزب‌الله هیچ‌گاه به خون مسیحیان آلوده نشود و مسیحیانی که همواره خواهان خلع صلاح مقاومت اسلامی و صلح با رژیم صهیونیستی بودند، در سال ۲۰۰۰ میلادی موضع خود نسبت به این جنبش را تغییر دادند و این یک پیروزی سیاسی و اجتماعی برای حزب‌الله به شمار آمد. جنبش مقاومت اسلامی برای دست‌یازی حداکثری به مقبولیت مردمی در جامعه لبنان، در پی برخی حوادث عرصه بین‌الملل چون پایان جنگ عراق علیه ایران و صدور قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۹۸۷ درصدد تعدیل برخی سیاست‌ها و استراتژی‌های خود برآمد. این جنبش در ابتدای تأسیس اعلام داشت که در پی ایجاد حکومت اسلامی فراگیر در لبنان و سپس در سایر مناطقی که اقلیت شیعه وجود دارد است تا بدین‌وسیله به حمایت از مستضعفین و محرومین بپردازد(سعدغریب، ۱۳۸۹: ۱۳) که این خود موجب می‌شد تا دیگر گروه‌ها و طوایف موجود در لبنان جانب احتیاط را رعایت کرده و درصدد ناکام کردن حزب‌الله در پیشبرد برنامه‌های خود برآمدند. جنبش حزب‌الله لبنان در راستای هدف ایجاد حکومت اسلامی در سال‌های آغازین تأسیس خود، اقدامات ذیل را برای حمایت از شیعیان لبنان به‌عنوان اقلیت ستم دیده و مظلوم محقق ساخت:

– ترمیم طایفه شیعیان لبنان پس از ربوده شدن امام موسی صدر

– تأمین امنیت برای طایفه شیعیان لبنان و پیگیری پروژه امام موسی صدر

– تأسیس مرکز صدور انقلاب اسلامی ایران در لبنان، بعد در فلسطین سپس در دیگر گروه‌های شیعه نزدیک به حزب‌الله(فهمی، ۲۰۰۶: ۶۱)

این جنبش تحقق دو گزینه اول را مشروط به تحقق گزینه سوم می‌دانست به همین دلیل شعار خود را «الجمهوریة الإسلامیة فی لبنان» قرار داد اما پس از رخ داد تحولاتی در منطقه و عرصه داخلی لبنان و تغییر در ساختار رهبری حزب‌الله، شعار «الجمهوریة الإسلامیة فی لبنان» را که بر روی پرچم آن نصب‌شده بود را به شعار «المقاومة الإسلامیة فی لبنان» تغییر داد(فهمی، ۲۰۰۶: ۶۱).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

تهدید دیگری که همواره مقاومت اسلامی لبنان و سلاح آن را هدف قرار داده بود، قطعنامه «۱۵۵۹» شورای امنیت ملی بود که با پافشاری ایالات‌متحده و رژیم صهیونیستی در سپتامبر ۲۰۰٤ و با هدف خلع سلاح همه میلیشیاهای لبنانی و غیر لبنانی و خروج نیروهای خارجی و بسط‌ید کامل دولت لبنان در اراضی این کشور به تصویب رسید(مطالعات خاورمیانه، ۱۳۸٤: ۵). تصویب این قطعنامه می‌توانست مقدمات حمله رژیم صهیونیستی به لبنان را شکل دهد اما حزب‌الله لبنان توانست بدون داشتن پشتیبان سیاسی و موقعیت اجتماعی قابل‌توجه سه‌گام بسیار هوشمندانه در مقابل این قطعنامه بردارد و میدان بازی را به نفع خود تغییر دهد و به‌موجب آن‌هم مشروعیت سیاسی و به‌تبع آن هم‌پیمان سیاسی به دست آورد و هم بر مقبولیت اجتماعی آن افزوده شود که عبارت‌اند از:

گام اول: ائتلاف با برخی گروه‌های سیاسی موجود در لبنان

تشکیل ائتلاف با برخی گروه‌های سیاسی موجود در لبنان موجب شد تا حزب‌الله به‌عنوان سهیم دار سیاسی به درون دولت نفوذ یابد(بلقزیز، ۱۳۸٤: ۱۱٦). هرچند که حضور حزب‌الله در دولت نمادین بود اما با همین حضور نمادین توانست به دولت لبنان برای اخراج اسرائیل از جنوب لبنان کمک کند، بدون اینکه اندکی در امور داخلی دولت دخالت داشته باشد(West Child, ۲۰۱۰:۱۵). حزب‌الله لبنان با برقراری همکاری گسترده با سایر فرق لبنانی چون اهل سنت، مسیحیت، دروزی(پاشاپوریوالاری، ۱۳۹۲: ۱۱٤) و سایر فرق و تأکید بر سه مقوله خاک، خون و دین توانسته است تا راهبرد وحدت را درون لبنان به‌پیش برده و توانایی افراد را بدون توجه به مذهب، تفکر و سازمان آن‌ها برای ایجاد وحدت به کار گیرد، در حقیقت راهبرد در پیش‌گرفته حزب‌الله با حیات، منافع و بقای لبنان گره خورده است. این نوع از جهت‌گیری حزب‌الله در سیاست‌های خود و تلاش برای پیشبرد منافع همه مردم لبنان با تأکید بر وحدت موجب شده است تا افرادی چون «هیفا وهبی»، خواننده مشهور عرب بدون داشتن هیچ علقه مذهبی رسماً اعلام جانب‌داری از حزب‌الله لبنان کند و یا خواننده مسیحی دیگری کنسرت خود را با عنوان «نور یجمعنا» که دربردارنده مضامین مبتنی بر وحدت است را در یکی از سالن‌های حزب‌الله برگزار کند(پاشاپوریوالاری، ۱۳۹۲: ۱۱٤) و یا مردم کشورهایی چون مصر، ترکیه، ایران، عراق، بحرین، سوریه، عربستان و برخی دیگر از کشورهای منطقه باوجود مخالفت برخی از این دولت‌ها، علناً اعلام حمایت و طرفداری از حزب‌الله کنند(پاشاپوریوالاری، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

گام دوم: تشکیل هیئت «گفتگوی ملی»

تشکیل این هیئت به سرپرستی رئیس مجلس وقت، نبی بری موجب گردید تا کشمکش‌های سیاسی و اعتراضات خیابانی در مورد موضوع سلاح مقاومت بر سر میز گفتگوی ملی و محرمانه قرار داده شود. این اقدام موجب شد تا نگرش‌ها نسبت به سلاح مقاومت تغییر یابد و عنوان موضوع و مسئله «خلع سلاح مقاومت» به بحث در مورد یک استراتژی دفاعی میهنی که سلاح مقاومت نیز در آن جایگاهی داشته باشند تبدیل شود(بلقزیز، ۱۳۸٤: ۱۱٦). حزب‌الله لبنان سعی داشت تا همانند امام موسی صدر با همه مردم و رهبران رابطه‌ای خوب برقرار کند(خسروشیری، ۱۳۸۹: ۱۳٦). اقدامات این جنبش درزمینه معرفی اندیشه‌ها و عقاید خود به دیگر طوایف و گروه‌ها موجب استقبال بسیاری از مردم جامعه لبنان شد. این اقبال باعث گردید تا شیعیان لبنان که هم در عرصه اجتماعی و هم در عرصه سیاسی به آنان اجحاف شده بود و تا سال‌های قبل از تشکیل جنبش جزء شهروندان طبقه چندم به شمار می‌آمدند، مسلمان محسوب نمی‌شدند و بدترین مناطق و نامناسب‌ترین مناسب به آنان اختصاص پیدا می‌کرد از عزت و احترام ویژه‌ای در لبنان برخوردار شوند. ظلم و تبعیض دهه پنجاه موجب شده بود تا تعداد قابل‌توجهی از جوانان شیعه لبنان تنها دلیل این حقارت را در مذهب خود بیابند لذا برای رهایی از این بی‌احترامی‌ها و تحقیرها به احزاب چپ و کمونیسم می‌پیوستند(سلیمانی زاده، ۱۳۸٦: ٦٦) اما امروزه به علت وجود جنبش حزب‌الله لبنان و فعالیت‌های این جنبش در راستای حمایت و تعالی لبنان، نه‌تنها شیعیان احساس حقارت نمی‌کنند بلکه در بسیاری از امور تأثیرگذار دولتی باوجود نداشتن دستگاه‌های سیاسی و قدرت تصمیم سازی مکفی، توانسته است تا در عرصه‌های مختلف حکومتی و تصمیم‌گیری تأثیرگذار باشد و بسیاری از مردم جامعه لبنان از آن تأثیر بپذیرند. نفوذ کارآمدی جنبش حزب‌الله به حدی است که حتی در عرصه علمی برخی از دانشگاه‌های آمریکایی لبنان به علت ترس از تأثیرپذیری سایر دانشجویان از فرهنگ، مذهب و عقیده شیعیان لبنان، دانشجویان شیعه را تهدید به اخراج از دانشگاه می‌کند(سلیمانی زاده، ۱۳۸۷: ۲۰۷).

گام سوم: امضای سند تفاهم با «جریان ملی آزاد»[1] به ریاست میشل عون

در تاریخ ٦ فوریه ۲۰۰٦ سندی با عنوان «سند تفاهم»[2] میان حزب‌الله لبنان به رهبری

۱. تیار الحر الوطنی
۲. ورقه التفاهم

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

سید حسن نصرالله و حزب ملی آزاد به ریاست میشل عون به امضا رسید. هدف از امضای این سند تعهد به مشارکت دو بازیگر مذکور در محقق ساختن منافع ملی و رفع بحران‌های لبنان به‌ویژه بحران تعیین دولت بود. این اقدام مقدمات خروج حزب‌الله از لاک انزوا را فراهم آورد که نتیجه آن برقراری تعامل با فضای اجتماعی و سیاسی بزرگ لبنان بود(سلیمانی زاده، ۱۳۸۷: ۲۰۷).

این اقدامات هوشمندانه حزب‌الله در قبال توطئه‌ای که علیه آن و برای خلع سلاح مقاومت بکار گرفته شد درنهایت علاوه بر اینکه باعث شد تا پس از حمله اسرائیل به جنوب لبنان، دولت در هنگام تصمیم‌گیری در اتخاذ برخی استراتژی‌ها، منافع حزب‌الله را نیز به‌عنوان عضوی از دولت رعایت کند، موجب گردید تا دیگر احزاب و نهادهای سیاسی نیز برای برقراری روابط سیاسی و همفکری با حزب‌الله و بهره‌مندی از محبوبیت این جنبش به رقابت با یکدیگر بپردازند. در حقیقت عبور موفقیت‌آمیز حزب‌الله لبنان از چالش‌های پیش رو و تبدیل هوشمندانه تهدیدهای دشمنان به فرصت موجب گردید تا این جنبش به دوران جدیدی از بلوغ و باروری وارد شود و با امکانات سیاسی بسیار کمتری که نسبت به سایر طوایف به دست آورده بود بهترین بهره‌برداری را داشته باشد(سبحانی و ابراهیمی، ۱۳۸۵: ۷۰).

نقش جدید حزب‌الله دیگر در چارچوب جغرافیایی لبنان خلاصه نمی‌شد زیرا جنبش حزب‌الله لبنان با اینکه جنبشی کوچک و محدود به شمار می‌رفت اما بااین‌وجود توانسته بود تا در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی نقش گسترده‌ای ایفا کند. این کارآمدی به حدی بود که مقامات عالی‌رتبه بسیاری از کشورهای قدرتمند امروزه برای حل برخی بحران‌های به وجود آمده در منطقه به‌ویژه بحران فراگیر سوریه گفتگو با این جنبش را به‌عنوان یکی از بازیگران قدرتمند منطقه ضروری می‌دانند. این بازیگر توانسته بود در سال ۱۹۹۲ پس از ورود به ساختار دولت، با اتخاذ رفتارهای سیاسی مناسب و معتدل، جایگاه خود را در سطح ملی حفظ کرده و به مقبولیت و مشروعیت خود در جامعه لبنان بیفزاید. این جنبش در مواقعی که سیاست‌های اتخاذشده از سوی دولت را نامناسب و ناکارآمد می‌پنداشت، مخالفت خود را به‌صورت انتقاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی نشان داده و بر موضوعاتی چون لغو طایفه‌گرایی سیاسی و برقراری عدالت اجتماعی به نفع ستمدیدگان، استقرار آزادی عمومی، گسترش توسعه سیاسی و شفافیت در امور سیاسی تأکید می‌کند. در حقیقت این جنبش ترجیح

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

می‌دهد که مخالفت خود با حکومت را بر شیوه‌ای واحد قرار ندهد و فعالیت‌های مجلسی خود را بر مسائل خاص اسلامی متمرکز نسازد(Richard, ۱۹۹۸: ۱۵٦). بیشتر انتقاداتی که حزب‌الله از دولت لبنان دارد حول محور مسائل عمومی چون فساد سیاسی، ناکارآمدی اداری و عقب‌ماندگی مناطق محروم می‌چرخد. مخالفت این جنبش با دولت لبنان ازنظر نوع و شکل مخالفتی سازنده و ازنظر مضمون و محتوا نیز مخالفتی معقول و سنجیده است(سعدغریب، ۱۳۸۹: ٥٤). این جنبش برای اینکه نشان دهد هدفی همگانی و در راستای بهبود وضعیت همه مناطق کشور لبنان دارد، به دولت «سلیم الحص» که به‌خوبی از حزب‌الله حمایت می‌کرد رأی اعتماد نداد و سیاست ممانعت را در قبال این دولت در پیش گرفت. زمانیکه علت این اقدام را از حزب‌الله پرسیدند بیان داشت که جنبش هنوز از عملکرد و توانایی این دولت اطمینان خاطر به دست نیاورده است(سعدغریب، ۱۳۸۹: ٥٦). حزب‌الله نه‌تنها به علت اتخاذ مواضع سیاسی هم‌جهت با منافع جامعه لبنان شهرت و محبوبیت یافته است بلکه عرضه برخی خدمات اجتماعی نیز به محبوبیت این بازیگر افزوده است. همه مردم لبنان آگاهی دارند که دیگر طوایف چون مسیحیت و یا اهل سنت و یا دروز از حمایت‌های مادی و معنوی گسترده‌ای نسبت به حزب‌الله برخوردار هستند اما هیچ‌کدام از آن فرقه‌ها به میزان این جنبش اقدام به خدمت‌رسانی به عامه مردم لبنان نمی‌کنند. این جنبش به علت ساخت مدرسه، بیمارستان، داروخانه، مؤسسات رسیدگی به امور خانواده شهدا، اعطای خدمات بهداشتی و ارائه خدمات ارزان‌قیمت توسط نهادها، سازمان‌ها و مؤسسات مذکور موجب شده است تا مردم سایر طوایف بدون در نظر گرفتن اختلافات عقیده‌ای و سیاسی به‌سوی این جنبش میل کنند، به‌عنوان‌مثال: تحصیل در مدارس حزب‌الله نسبت به مدارس دیگر فرقه‌ها بسیار مقرون‌به‌صرفه‌تر است، در این مدارس به نیازمندان بدون دخیل داشتن مسائل قومی و مذهبی کمک‌هزینه تحصیلی پرداخت می‌شود، ازلحاظ آموزشی نیز به زبان عربی و دروس اسلامی نیز تأکید ویژه‌ای می‌شود به همین دلیل خانواده‌های غیر شیعه نیز ترجیح می‌دهند تا فرزندان خود را به دلیل هزینه پایین و سطح بالای آموزش به مدارس حزب‌الله بفرستند. حزب‌الله لبنان توانسته است از امکاناتی که در اختیار دارد و در بعضی مواقع نسبت به سایر گروه‌های مسیحی و اهل سنت از کمیت و کیفت کمتری برخوردار است به‌صورت مطلوب بهره برده و بتواند خدمات اجتماعی مناسبی را ارائه کند. ارائه خدمات مطلوب اجتماعی به تمام مردم

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

لبنان موجب گردید تا این جنبش در آینده تاثیرات این اقدامات خود را در فعالیت‌های سیاسی ببیند(Love, ۲۰۱۰: ۳۷).

۳-۲. تأثیر مقاومت نظامی حزب‌الله در مشروعیت سیاسی و مقبولیت اجتماعی

با حمله ارتش رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۸۲ به لبنان، بیروت بدون هیچ مقاومتی از سوی گروه‌های فلسطینی و جنبش امل به اشغال درآمد و تنها در منطقه «خلده» بود که دانشکده علوم و ضاحیه گروه‌هایی که خود را پیروان امام خمینی می‌نامیدند مقاومت ورزیدند(اسداللهی، ۱۳۸۷: ۷۵).

با عقب‌نشینی اسرائیل از شهر صیدا، حزب‌الله طی یک گردهمایی رسمی در ١٦ فوریه ۱۹۸۵، با صدور نامه سرگشاده، هویت، استراتژی و برنامه ایدئولوژیک و اهداف خود را بیان می‌دارد و علناً مقابله با اسرائیل را اعلام می‌کند(Tegho, ۲۰۱۱: ۲).

با پایان جنگ‌های داخلی و انعقاد پیمان طائف در سال ۱۹۸۹ که به بهانه حضور مهاجران فلسطینی در لبنان شکل‌گرفته بود، ریاست جمهوری در دست مارونی‌ها باقی‌مانده و نخست‌وزیری به مسلمانان اهل سنت و ریاست مجلس به مسلمانان شیعه واگذار می‌گردد(سازمند و معصومی زارع، ١٣٩٤: ١٤١). با این تفکیک قوایی که صورت گرفت در بسیاری از نبردهای حزب‌الله لبنان و رژیم صهیونیستی، از سوی اعضای دولت لبنان و حتی ارتش این کشور علیه جنبش حزب‌الله کارشکنی‌هایی صورت می‌پذیرفت اما بااین‌وجود این جنبش با استفاده مطلوب از امکانات اندک خود به مقابله با این کارشکنی‌ها می‌پرداخت. این کارآمدی در جنگ ۳۳ روزه[1] که با حمله رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان در ۱۲ جولای ٢٠٠٦ آغاز گردید، نمود بیشتری یافت زیرا ارتش رژیم صهیونیستی که تا آن زمان در جهان عرب به «ارتش شکست‌ناپذیر» و یکی از پیچیده‌ترین ارتش‌های جهان معروف بود(سلیمانی‌زاده، ۱۳۸۷: ٢٠٦) نتوانست در مقابل جنبش حزب‌الله لبنان از خود مقاومت نشان دهد و درنهایت شکست‌خورده و مغلوب از لبنان خارج شد. این شکست ریشه در سه توانایی حزب‌الله دارد که به‌صورت موجز در ذیل بدان پرداخته خواهد شد:

۱-۳-۲. رهبری کارآمد سید حسن نصرالله

مقوله «رهبری» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر موفقیت یا شکست اقوام و گروه‌ها در

۱. حرب التموز

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

نیل به اهدافشان از تأثیر و اهمیت بسیار گسترده‌ای برخوردار است. این مسئولیت مهم در مواقع بسیار حساس از تاریخ حزب‌الله بر عهده «سید حسن نصرالله» بوده است. نصرالله به‌خوبی توانست این وظیفه را در تمام دوران دبیرکلی خود بر جنبش حزب‌الله لبنان به‌ویژه در جنگ سی‌وسه روزه که بین رژیم صهیونیستی و حزب‌الله لبنان صورت پذیرفت ایفا کند. سید حسن نصرالله در سال ۱۹۹۲ سومین دبیر کل حزب‌الله شد و نسبت به دبیران سابق حزب‌الله تغییراتی را در روش و رویکرد خود نسبت به امور ایجاد کرد. وی در آغاز رهبری خود بر جنبش تغییراتی را در هویت آن ایجاد کرد و سعی داشت تا حزب‌الله را به‌عنوان یک گروه سیاسی مشروع در لبنان معرفی کند. وی به‌خوبی دریافته بود که جنبش برای اینکه به‌عنوان یک گروه سیاسی مشروع در لبنان پذیرفته شود ابتدا باید خود را در صحنه سیاست داخلی لبنان جای دهد. اتخاذ این استراتژی از سوی سیدحسن نصرالله موجب گردید تا حزب‌الله بدون اینکه هویت نظامی خود را از دست دهد به‌عنوان یک بازیگر سیاسی مشروع پذیرفته شود(Tegho, ۲۰۱۱: ۱).

در ارتباط با کارآمدی نقش رهبری، بسیاری از کارشناسان امور تربیتی مغرب زمین بر این باورند که هر نقش رهبری و مدیریتی باید با سه «□» همراه باشد:

- Hand به معنای دست.
- Head به معنای سر.
- Heart به معنای قلب.

سر کنایه از «فکر و طرح»، دست کنایه از «اجرای صحیح» و قلب کنایه از «نفوذ در قلوب و در اختیار گرفتن احساسات انسان‌ها» است(غیاثی‌کرمانی، ۱۳۸۲: ۲۱). سید حسن نصرالله هم برنامه‌ریزی و طراحی و مدیریتی بسیار قوی داشت، هم در اجرای طرح‌ها و نقشه‌های جنبش توانمند بود و هم به خاطر برخورداری از صفات اخلاقی و ویژگی رفتاری منحصربه‌فرد توانسته بود تا در قلب و احساسات توده‌های عظیم میلیونی مردم لبنان اعم از مسلمان و غیرمسلمان جای یابد، ویژگی‌هایی چون:

۱-۱-۳-۲. صداقت اخلاقی، فداکاری و ازخودگذشتگی:

صداقت اخلاقی سید حسن نصرالله با شهادت هادی نصرالله[1] در سپتامبر ۱۹۹۷م بر همگان

۱. فرزند سید حسن نصرالله

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

آشکار گردید. هادی نصرالله که به همراه رزمنده دیگری با یک پایگاه رژیم صهیونیستی درگیر شده بودند، به شهادت رسید. رژیم صهیونیستی بدون آنکه هیچ اطلاعی از هویت هادی نصرالله داشته باشد تصویر وی را از تلویزیون رژیم صهیونیستی منتشر می‌سازد و با عنوان «پیروزی» از آن یاد می‌کند تا قلب جنبش حزب‌الله را به درد آورد. سید حسن نصرالله پس از علم به شهادت فرزندش، بدون بروز ناراحتی‌اش از این رویداد، پیکر فرزند شهیدش را نیز همانند دیگر شهیدان و بدون هیچ تفاوت قائل شدن بین پیکر فرزند خود و دیگر شهدا آن را زیارت می‌کند(سعدغریب، ۱۳۸٤: ۱۲). رفتار یکسان سید حسن نصرالله در تکریم جنازه فرزندش و دیگر شهدا و صبر و بردباری وی هنگام شنیدن خبر فرزند شهیدش انعکاس بسیار گسترده‌ای در رسانه‌ها مبنی بر صداقت اخلاقی وی داشت چراکه تا آن زمان هیچ‌گاه در تاریخ لبنان سابقه نداشت که فرزند یکی از رهبران گروه‌های سیاسی و شبه‌نظامی در جنگ کشته‌شده باشد(سرخیل، ۱۳۸۷: ۹۳).

۲-۱-۳-۲. تواضع، فروتنی و اخلاص:

سید حسن نصرالله در طول این مجاهدت‌ها و مبارزاتی که علیه رژیم صهیونیستی انجام داده بود، هیچ‌چیز برای خود و یا خانواده‌اش اختصاص نداد(سعدغریب، ۱۳۸٤: ۷۹) و پس‌ازآن همه پیروزی‌های خرد و درشت در مقابل رژیم صهیونیستی، هرلحظه بر تواضع، زهد، فروتنی و روی‌گردانی وی از دنیا افزوده می‌شد.

۳-۱-۳-۲. خدمتگزاری نسبت به مردم:

سید حسن نصرالله به امور مردم و اوضاع‌واحوال معیشتی آن‌ها توجه شایانی مبذول می‌داشت و همواره خود را خادم مردم معرفی می‌کرد(محجوب، ۱۳۹۱: ۷۹). وی به‌مثابه یک رهبر مردمی – اللهی هرگز چیزی برای خود و یا خانواده‌اش نخواست بلکه همه دارایی‌های خود را به اسلام، مردم و وطن تقدیم کرد(محجوب، ۱۳۹۱: ۱٦۱).

سید حسن نصرالله علاوه بر صفات اخلاقی بافضیلت به برخی از صفات کارآمد در عرصه نبرد نیز متصف بود. وی با تحلیل اتفاقات در حال رخداد جهان و منطقه، به کمک دیگر افراد ذی‌ربط جنبش اقدام به تصمیم‌گیری به‌موقع در عرصه‌های گوناگون می‌کند. سید حسن نصرالله توانسته بود از این توانایی درنبرد با رژیم صهیونیستی به بهترین نحو استفاده کند و

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

با پیش‌بینی امور، وعده‌هایی می‌داد که به «الوعد الصادق»[1] معروف گردیده بودند. تحلیل‌های وی از عرصه نبرد و به دنبال آن پیش‌بینی در مورد اتفاقات در حال رخداد در جنگ موجب گردیده بود تا نه‌تنها همه مردم لبنان بلکه برخی از مردم رژیم صهیونیستی و دیگر مسئولین سیاسی – نظامی رژیم صهیونیستی نیز وی را فردی صادق بدانند که به‌گزاف سخن نمی‌راند.

٤-٢. گفتمان اعتقادی حزب‌الله شیعه

حزب‌الله لبنان به‌مثابه یک جنبش سیاسی – عقیدتی بر دو مقوله اعتقادی «ایمان و جهاد» بنیان بود.

ایمان به اسلام به‌عنوان یک رسالت دینی و پیام الهی و جهاد در راه خدا نیز به‌عنوان یک التزام عملی برای رفع موانع موجود مهم‌ترین ویژگی فکری و اعتقادی حزب‌الله و ایدئولوژی مذهبی آن به شمار می‌رود(پاشاپوریوالاری: ۸۱).

ایمان به اسلام و اعتقاد به جهاد در راه خدا و نیل به شهادت به‌عنوان مبدأ رستگاری موجب شده تا نیروهای مقاومت اسلامی لبنان در برداشتن موانع و سختی‌ها از مسیر خود قدرت استثنایی یابند و بدون هیچ ترس و واهمه به مقابله با رژیم صهیونیستی بپردازند. جنبش حزب‌الله روحیه شهادت را از افکار و دیدگاه‌های انقلاب اسلامی به ارث برد که نتیجه آن شجاعت نیروهای حزب‌الله در مقابل دشمن ماتریالیستی‌ای بود که با خرد محاسبه‌گرای خود خواهان فرار از مرگ، زنده ماندن و ادامه زندگی دنیوی بود.

«شیخ یوسف القرضاوی» در مورد ایمان سربازان جنبش حزب‌الله گفته است: «اگر اسرائیل از حمایت آمریکا و دیگر هم‌پیمانانش برخوردار است، مقاومت[2] نیز از نیروی ایمان برخوردار است».

در حقیقت عقیده جوانان شیعه جنبش مقاومت اسلامی لبنان، قربانی شدن در را اعتقاد و ایمان را بهترین ابزار در مقابله با دشمنان می‌داند و همین اعتقاد عاملی شده است تا مهم‌ترین دشمن حزب‌الله با در اختیار داشتن پیشرفته‌ترین تانک‌ها و هواپیماها نتواند بر افرادی که از کمترین و ساده‌ترین امکانات در میدان رزم برخوردارند پیروز شود(محجوب، ۱۳۹۱: ٦٦).

٥-٢. استراتژی نظامی حزب‌الله

در کارنامه عملکرد جنبش حزب‌الله لبنان دو نکته قابل‌تأمل است که به شرح جداگانه هرکدام خواهیم پرداخت:

---

۱. وعده راستین

۲. مقاومت اسلامی در لبنان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

آمیزه‌ای ممتاز از دو روش نبرد پارتیزانی و نبرد منظم

جنبش مقاومت اسلامی به‌خوبی توانست آمیزه‌ای مناسب از دو روش جنگی را در عرصه عمل به نمایش درآورد. این جنبش در ابتدا از شیوه جنگی پیشنهادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران مبنی بر هجوم منظم و متمرکز بهره می‌برد اما پس از متحمل شدن تلفات انسانی بسیار، با احترام فراوان به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، این روش را ترک گفته و از روش ابداعی خود که متناسب با شرایط جنگی ایشان در هماوردی با رقیبی که از حیث تعداد نیروی انسانی و کیفیت نیروی فناوری و تجربه درازمدت در جنگ منظم بر آنان برتری داشت بهره می‌برد(بلقزیز، ۱۳۸٤: ۱۲٦). رزمندگان مقاومت اسلامی با تسلیحاتی که در اختیار داشتند (همچون موشک‌های کاتیوشا که در آن زمان بهترین سلاح جنگی حزب‌الله به شمار می‌رفت)، از تاکتیک‌های جنگ پارتیزانی ازجمله فریب، غافلگیری، تله‌گذاری و دور زدن دشمن از پشت سر به همراه شلیک‌های رگباری از هزاران موشک دوش‌پرتاب به سنگرهای مقابل دشمن در مرز استفاده می‌کردند. این اقدامات با دقت بسیار بالایی صورت می‌گرفت تا واحدهای شناسایی هوایی دشمن نتوانستند اقدام به شناسایی مکان و نقطه آغاز این عملیات‌ها کنند(بلقزیز، ۱۳۸٤: ۱۲٦).

استفاده از عملیات‌های روانی علیه ارتش رژیم صهیونیستی

جنبش مقاومت اسلامی به رهبری سیدحسن نصرالله توانسته بود تا علاوه بر مقابله نظامی به ارتش رژیم صهیونیستی، عملیات‌های روانی نیز علیه جامعه اسرائیلی رقم بزنند. سیدحسن نصرالله، رهبر مقاومت اسلامی لبنان به‌عنوان سخنوری بسیار ماهر شناخته‌شده‌اند که در برخی صحنه‌ها ماهرانه و بسیار حرفه‌ای به درون جنگ روانی راه پیدا می‌کنند، چه در جنبه‌های تثبیت روحیه دوستان خود و چه در راستای تخریب روحیه دشمن.

سیدحسن نصرالله در مواقع لزوم علاوه بر عملیات روانی علیه سربازان اسرائیلی، از طریق شبکه تلویزیونی المنار اقدام به تضعیف روحیه جامعه صهیونیستی می‌کرد، به‌عنوان‌مثال وی در مواقعی که جنازه سربازان رژیم صهیونیستی بر روی زمین تلنبار می‌شد و یا تانک‌های ارتش این رژیم منفجر و قطعه‌قطعه می‌شد، اعلام می‌کرد که آماده است تا همچنان به نبرد ادامه دهد. ازجمله سخنانی که در میان سربازان رژیم صهیونیستی و شهرک‌نشینان اسرائیلی ترس ایجاد می‌کرد عبارت بود از:

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

«ما مجاهد هستیم و آمادگی کامل داریم برای هر نوع جان‌فشانی»(محجوب، ۱۳۹۱: ۲۳۰).

صفت صداقت سیدحسن نصرالله در عملیات‌های «الوعد الصادق» که به‌موجب آن هر سخن و پیش‌بینی وی درست از آب درمی‌آمد، موجب می‌گردید تا ایشان حتی در بین مردم جامعه رژیم صهیونیستی نیز به «شیخ راستگو» معروف شوند. اطمینان قلبی دادن سیدحسن نصرالله به مردم لبنان مبنی بر عدم توانایی رژیم صهیونیستی بر حمله دوباره به خاک لبنان نیز نشان از قدرت و توانمندی این جنبش در مقابل رژیمی بود که میزان امکانات و تجهیزات آن در جنگ سال ۲۰۰۶ برابر بود با میزان تجهیزات و تسلیحات به‌کاربرده شده در تمام جنگ‌های رژیم صهیونیستی با اعراب(پاشاپوریوالاری، ۱۳۹۲: ۱۳۱).

دو شیوه کارآمد عملیات‌های چریکی و روانی حزب‌الله لبنان علیه رژیم صهیونیستی به همراه دو مؤلفه سابق موجب پیروزی این جنبش در مقابل ارتش اسرائیل گردید. جنبشی که هم ازلحاظ سیاسی و هم ازلحاظ نظامی در موضع بسیار محدودتر و ضعیف‌تری قرار گرفته بودند با بهره‌وری از استراتژی‌های مناسب در به‌کارگیری تجهیزات و امکانات محدود خود توانست به نتایج بسیار مطلوبی دست یابد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

جمع‌بندی

پیکار حزب‌الله لبنان با رژیم صهیونیستی موجب ناکام کردن طرح و نقشه‌های این رژیم و هم‌پیمانان داخلی و خارجی آن علیه حزب‌الله ایجاد گردید. این جنبش در ابتدای تأسیس خود پس‌ازآنکه در مقابل حملات رژیم‌صهیونیستی مقاومت کرده و به دفاع از مردم لبنان و مرزهای کشور لبنان پرداخت، توانست ایستگاه «اعتبار» را به‌عنوان اولین ایستگاه در روند رسیدن به مقبولیت اجتماعی به‌خوبی پشت سر گذارد. چندی پس از تجاوزات سال ۱۹۸۵ رژیم صهیونیستی به لبنان، این رژیم در سال ۲۰۰۶ حمله دیگری را به لبنان آغاز می‌کند و هدف خود را به‌طور مشخص نابودی جنبش مقاومت اسلامی قرار می‌دهد اما این جنبش که به کمک هم‌پیمانان منطقه‌ای خود به کمترین سطح از تسلیحات نظامی دست‌یافته بود توانست با استفاده مناسب از این امکانات اندک به نتیجه قابل قبولی دست یابد و رژیم صهیونیستی را در رسیدن به اهدافش ناکام کند. این حادثه که به معنای عبور حزب‌الله از ایستگاه «قدرت» به‌عنوان دومین ایستگاه در روند دستیابی به مقبولیت اجتماعی است، موجبات شگفتی بسیاری را فراهم آورد. این جنبش درنهایت با ارائه برخی خدمات اجتماعی همچون اختصاص دادن نیمی از بودجه خود به عمران و آبادی مناطق تخریب‌شده در جنگ سی‌وسه روزه، اعلام آمادگی برای رفع مشکلات بحرانی جامعه لبنان مانند بحران زباله در سال ۲۰۱۵ و همچنین ارائه برخی امتیازات سیاسی مانند اعطای دو کرسی مجلس به دیگر طوایف نشان داد که هدفی جز حمایت از منافع ملی مردم لبنان و ذی‌حق ساختن شیعیان جنوب ندارد و همواره بر مفهوم وحدت میان مردم لبنان تأکید می‌کند. به‌موجب این نوع از رفتار و عملکرد حزب‌الله، مقبولیت آن از سوی مردم لبنان تائید شد و درنهایت این جنبش با پشت سرگذاشتن ایستگاه «صلاحیت»، علاوه بر مقبولیت اجتماعی به مشروعیت سیاسی نیز دست می‌یابد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

منابع

منابع فارسی

اسداللهی، مسعود (۱۳۷۹). *از مقاومت تا پیروزی*، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه‌سازان نور.

اسداللهی، مسعود (۱۳۸۲). *جنبش حزب‌الله: گذشته و حال*، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

احمدی، حمید (۱۳۸۵). *دموکراسی انجمنی و ثبات سیاسی در جوامع ناهمگون*، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه وزارت امور خارجه.

بلقزیز، عبدالله (۱۳۸۸). *حزب‌الله از آزادسازی تا بازدارندگی*، ترجمه: علی شمس، شماره جلد، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.

اشاپور یوالاری، حمید (۱۳۹۲). *حزب‌الله لبنان و بیداری اسلامی*، چاپ اول، تابستان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

سازمند، بهاره و معصومی زارع، هادی (۱۳۹٤). «الگوی سه بعدی تحلیل منطقه گرایی سیاسی بازیگران فروملی (با نگاهی به تجربه جنبش‌های امل و حزب الله لبنان)»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹٤.

سبحانی، محمد و ابراهیمی، علی (۱۳۸۵). «حزب‌الله و چالش‌های سیاسی لبنان: هوشیاری شیعیان مانع از خلع سلاح حزب‌الله است»، *مجله شاهد یاران*، شماره۱۱، مهرماه.

سرخیل، بهنام (۱۳۸۷). *حزب‌الله پیروز*، چاپ اول، تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

سعدغریب، امل (۱۳۸٤). *دین و سیاست در حزب‌الله*، ترجمه: غلامرضا تهامی، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

سعدغریب، امل (۱۳۸۹). *حزب‌الله: سیاست و مذهب*، ترجمه: محمدعلی قاسمی، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.

سلیمانی زاده، داود (۱۳۸۷). *انقلاب اسلامی ایران و احیای هویت دینی شیعیان لبنان*، چاپ اول، بهار، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

شیخ الإسلامی، محمدحسن و فاطمی صدر، امیر (۱۳۹۲). «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در لبنان»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲.

حمزه، نزار (۱۳۷۲). «حزب‌الله لبنان؛ از انقلاب اسلامی تا سازش پارلمانی»، ترجمه: بهروز ابوئی مهریزی، *مجله دانش سیاسی*، بهمن و اسفند، شماره۳.

خسروشیری، علی (۱۳۸۹). *انقلاب اسلامی ایران و شیعیان لبنان*، چاپ اول، تابستان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

غیاثیان، مریم سادات و نامور، زهرا و روشن، بلقیس و سلطانی، علی اصغر (۱۳۹۲). «بازنمایی گفتمان مشروعیت فعالیت هسته‌ای ایران از نگاه آمریکا»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره دوم، تابستان.

غیاثی‌کرمانی، محمدرضا(۱۳۸۲). *یوسف لبنان*، چاپ اول، قم: موسسه مطالعاتی دارالکتاب جزایری.

محجوب، مصباح(۱۳۹۱). *حزب‌الله و رهبری سید حسن نصرالله*، ترجمه: محمدرضا میرزاجان(ابو امین)، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.

مصباح یزدی، محمدتقی(۱۳۸۵). *نگاهی گذرا به نظریه ولایت‌فقیه*، تدوین و نگارش: محمدمهدی نادری قمی، چاپ اول، تهران: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

نائینی، محمدحسین(۱۳۲۷). *تنبیه الامه و تنزیه المله*، دار الإسلام بغداد: مطبعه ولایت.

نوروزی خیابانی، مهدی(۱۳۲۷). *فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی*، تهران: نشر نی.

نوروزی، محمدجواد(۱۳۸٤)، *نظام سیاسی اسلام*، چاپ اول، تهران: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

منابع عربی

ابوخلیل، جوزف (۱۹۹۰). *قصه الموارنه فی الحرب*، لبنان- بیروت: شرکه المطبوعات للتوزیع و النشر.

سلیمان نوار، عبدالعزیز (۱۹۷٦). «الحرب الاهلیه فی لبنان: الحرب الاهلیه و ابعادها الطائفیه»، *مجله السیاسه الدولیه*، ینایر، العدد٤٣.

حسین یعقوب، احمد (۱٤۱۲). «النظام السیاسی فی الاسلام»، *الدار الاسلامیه*، بیروت – لبنان.

فضل‌الله، حسن (۱۹۹۸). *حرب الإرادات*، دارالهادی، بیروت.

فهمی، احمد (۲۰۰٦). «حزب‌الله و سقط القناع»، *مجله البیان*.

نور، ولید (۲۰۰٦). *حزب‌الله لبنان، حقیقه ما جری بین حزب‌الله و اسرائیل*، لبنان: مرکز النور الدراسات.

منابع لاتین

Ajami, Fouad (1986). The Vanished Imam: Musa al-sadr and Shia of Lebanon, Inthaca and London: Cornell University Press.

Badie, Betraand & Berg-schlosser, Dirk & Morlino, Leonardo(2011). International Encyclopedia of Political Science, Volume ۵, SAG Publication.

Love, James B (2010). Hezbollah: Social Services as a Source of Power, Joint Special Operation University Press.

McLEAN, IAIN (2009). Concise Dictionary of Politics, third edition, Oxford University Press.

Nadna, T.R (1989). Dictionary of Political Science, Anmol Publication.

Richard Nortun, Augusts(1989). "Hizballah: From Radicalism to Pragmatism?", Middle

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]

East Policy 5, No.4.

Tegho, Julie.A (2011). Other Side of Coin: The Political Credibility Of Hezbollah and It`s Impact on Domestic and Regional Politics, Washangton D.C., June4.

Thomas Kurian, George (2011). The Encyclopedia of Political Science, Volume ۳, CQ Press, Division of SAGE, Washangton D.C.

West Child, Nathan (2010). Changes in Hezbollah`s Image and Role: Driving Factors and Security Implication, UMI Dissertation Publishing.

منابع اینترنتی

کریمی، صدف(۱۳۹۲/۸/۲۷). «مشروعیت و مقبولیت دو روی یک سکه تشکیل حکومت اسلامی»، تاریخ مشاهده(۱۳۹٤/۱۱/۸)، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:

http://www.tebyan-zn.ir/up/fardsaeid/۲۷۷۱۰۲

"ورقـة التفاهـم المشتركـة" بيـن "حزب‌الله" و"التيـار الوطنـی"، تاریخ مشاهده (۱۳۹٤/۱۰/۲۹) قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:

www.skyoflebanon.com/documents/Tayyar_Hizbollah

به این مقاله این‌گونه استناد کنید: DOI:۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۴۰۲
درخشه، جلال؛ بیگی، علیرضا (۱۳۹۵)، «کارآمدی حزب‌الله لبنان در دستیابی به مقبولیت اجتماعی و مشروعیت سیاسی»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س٦، ش٤، زمستان ۹۵، صص ۵۹-۳۳.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-12]